

**آفتاب** **دانشنامه**

**رکن چهارم دمکراسی فقیر شده**

● امیر حسین ذاکری روزنامه‌نگار

■ آذان ظهر ۱۳:۰۰  
 ■ آذان مغرب ۱۹:۳۳  
 ■ آذان صبح فردا ۵:۲۱  
 ■ طلوع آفتاب فردا ۶:۴۶

مطبوعات و روزنامه‌چی معروفاند به رکن چهارم دمکراسی، اما با این موجایی که می‌گیرند و این گرانی‌ها مطبوعاتی‌ها نوعی از طبقه پرولتاریای کارگری شده اند. پس رکن چهارم دمکراسی کارگر فقیری شده و به لطف عنایات ملوکانه قیله‌گان عالم (مدیران جامعه) حتی طبقات متوسط هم زیر خط فقر رفتند. چرا؟ چون به قول دکتر شریعتی: "فقر همه جا سرک می‌کشد" حالا می‌گویند: این طبقه باید هفتاد درصد دستمزدش را پای غذا بدهد. اصولاً وقتی حقوق می‌گیریم به خاطر تجمع و هجوم غیرمجاز گرانی‌ها و بدهکاری‌ها و حبس‌های نسنکن و نترکیده حقوق تا آخر هفته بنمی‌نمشد. یعنی ماندن‌ضمن اینکه ما باید هفتاد

درصد حقوق را پای بدهی و ۳۰ درصد پای غذا بدهیم.آن هم چه غذایی؟ اشکنه و امثالهم هر چند برخی به طنز و کنایه می‌گویند:اشکنه هم برای ما غذای لاچکری شده.البته به لطف مدیر روزنامه گاهی طعم از یاد رفته و بر باد رفته چلوکباب که برایمان حسی نوستالژیک،قدیمی و خاطرل‌انگیز دارد را به یاد می‌آوریم.

شنیدم آقای جهانگیری معاون دولت می‌گوید: تا جان در بدن دارم از بخش خصوصی حمایت می‌کنم " الهی جانیشان بی‌پلا خدا خودشان را اخوی را حفظ کند که از بخش خصوصی نه خصوصی حمایت می‌کنند!اما به ایشان می‌گویم ما با این اوضاع و احوال بازار تا جان دریدن داریم باید مبارزه کنیم. با دشمن، یعنی گرانی، تورم و دلالتن. آقای جهانگیری، هرچه دور از جان قحط‌الرجال و نوسم‌ت‌داریم به وفور "دلالمرد" داریم که معلوم نیست دولتی‌اند یا خصوصی. خیلی‌ها از آنها هم پشت پرده‌ای‌اند!

در قسمتی از داستا«غبارهای قجری» می‌نویسد: میرزا کریم خان شیب به خانه آمد لبلسب خاکی و چهرایش تکیده بود. مهین‌خاتون زش گفت: *مرد چربالبت خاکی شده چرا سرو وضعت اینطوری شده؟* با دست خاک روی لباسش را تکاند و با چهره شکننده و خستماش گفت: *نارمدها یهویی ریختند روی سرم‌زنش گوید به صورتش گفت: خدا مرگم بده کی بودند؟* گفت : *نارمدهای روزگار. سرنوشت دچار شده. حکایت امروز ما هم همین است گرفتاری‌ها چنان ریختند روی سرمان که حقوق اول هفته‌گرفته به یک هفته نشده بر می‌کشد و پرواز می‌کند. آری رکن چهارم دمکراسی (مطبوعات) فقیر شده و فریاد بر می‌آورد "آخرهفته حقوقم رفته "!*



**آفتاب** **شعر روز**

**علامت ستوال**

آب است همه خواب و خیالت ماهی
زیباست در آب، حس و حالت ماهی
خوش باش و سرک کشک به دنیا، باشد
قلاّب، علامت سوالت ماهی

علی مظفر

**آفتاب** **دیالوگ**



**فریدون بهنام (ابوالفضل یور عرب):** به این می‌گن دلار... زبون بین الملل، دلار بده، سفید و سیاه حرفتو می‌فهمن! تلخه، زشته، می‌دوم. اما این قانون ندیاست.
چهره- سپروس ا لوند

**تهدیدها و کارکرد دولت**

**ادامه از صفحه اول:**

البته می‌پذیرم که روحیات آقای روحانی با اقتضانات شغل ریاست جمهوری و انتظاراتی که هست کمتر هم خوانی دارد ولی اینکه ایشان صرفاً در مردم حضور یابند یا سفر استانی داشته باشند گستره ناراضیاتی‌ها را نمی‌کاهد .

البته ستاد روحانی می‌تواند به فکر شرایطی برای خنثی کردن جنگ روانی و مجاب‌کنندگی افکار عمومی باشد .

در پایان تاکید می‌کنم آنچه امروز در فضای کشور با آن مواجه هستیم که فاصله روزافزون طبقات برخوردار و اقشار ضعیف جامعه است به نظر من بسیار جدی است. بایستی کل نظام به صورت یک واحد، همانند دفاع مقدس به صورت منسجم عمل کند. یقین بدانید مواجهه عملی با عمق این تهدیدها ازعهده دولت خارج است.

- آذان ظهر ۱۳:۰۰
- آذان مغرب ۱۹:۳۳
- آذان صبح فردا ۵:۲۱
- طلوع آفتاب فردا ۶:۴۶

**امام علی (ع):** ستمکار پست است.

نشانی الکترونیکی روزنامه: aftab.yz@gmail.com
شماره بانک آفتاب بزد: ۰۰۰۱۴۴۲۷۳۰۰۰
عضو انجمن روزنامه‌های غیر دولتی- تعاونی مطبوعات- انجمن مدیران رسانه توصیه می‌شود در خصوص برخی آگهی‌ها تحقیق لازم صورت گیرد

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

**آفتاب** **روزنامه**

نشانی الکترونیکی روزنامه: aftab.yz@gmail.com
شماره بانک آفتاب بزد: ۰۰۰۱۴۴۲۷۳۰۰۰
عضو انجمن روزنامه‌های غیر دولتی- تعاونی مطبوعات- انجمن مدیران رسانه توصیه می‌شود در خصوص برخی آگهی‌ها تحقیق لازم صورت گیرد

**آفتاب** **یادداشت**

**حلقه گمشده تعامل دولت و مردم**

● دکتر علی میرزا محمدی جامعه‌شناس

یکی از شرایط مهم فعالیت سالم و روبه رشد نظام سلسله مراتبی حکومتی در کشور به شرط سالم بودن ساختارها و گزینش درست نیروها آن است که مدیران، نظارت درستی بر فعالیت‌های زیردستان خود داشته باشند و آنها را برای رسیدن به اهداف درست مدیریت کنند، اما برای حدوث این شرط مهم لازم‌است اطلاعات درستی تا ناحیه زیردستان، در اختیار مدیران قرار گیرد. نه تنها اطلاعات باید به درستی به آنها منتقل شود، بلکه حتی لازم است اشتباهات این مدیران به صراحت و با ادبیاتی مناسب به آنها گوشزد شود تا سکان هدایت این سفینه در طوفان بحران‌ها با برخورد به کوه یخ بی‌تدبیری در گرداب گرفتار نشود. این وضعیت را می‌توان به وضعت یک کشتی بزرگ یا هواپیمای مسافربری تشبیه کرد که ناخدا یا خلبان به واسطه سهل‌انگاری کارکنان خود غرق یا سقوط می‌کند. در این میان، نقش کمک‌خلبان یا دستیار ناخدا از همه مهم‌تر است. افرادی که مغز متفکر نظام، حلقه واسطه بین کارکنان زیردست و سکندار اصلی هستند،اما آیا در کشتی و هواپیمای نظام سلسله مراتب حکومتی ایران در مقام تشبیه کمک‌خلبان‌هاودستیاران‌ناخدانقش را ایفا می‌کنند؟

درستی نقش آفرینی می‌کنند و اطلاعات درستی را آن هم در زمان مناسب و با ادبیاتی دلسوزانه اما صریح، فراخ از فرهنگ اردت‌سالاری، تملق و تزویر در اختیار مدیران اجرایی و ارشد رده بالای خود قرار می‌دهند؟واقعیت وضعیت فعلی کشور نشان می‌دهد که ما نه تنها چنین نقش آفرینی را شاهد نیستیم، بلکه با شبکه‌های از «توجه‌گران حرفه‌ای» مواجه هستیم که از روی عمد یا جهل تصویری وارونه از بخشی که در آن مسئولیت دارند به مسئولین رده بالای خود گزارش می‌کنند. افراد حاضر در شبکه توجه‌گران حرفه‌ای ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف- برخی افراد در این شبکه هنوز خطر را احساس نمی‌کنند. آنها معتقدند که حوزه مدیریتی آنها دهه‌های مختلف به همین شیوه مدیریت شده و مشکلی پیش نیامده است. این دسته را می‌توان «توجه‌گران جاهل» نامید ب- دسته دیگری در این شبکه خطر را احساس می‌کنند اما برای اینکه خود نیز در این مجموعه ضربه نخورند و در این شبکه هنوز خطر را احساس نمی‌کنند. اینها معتقدند که حوزه مدیریتی آنها دهه‌های مختلف به همین شیوه مدیریت شده و مشکلی پیش نیامده است. این دسته را می‌توان «توجه‌گران جاهل» نامید ب- دسته دیگری در این شبکه خطر را احساس می‌کنند اما برای اینکه خود نیز در این مجموعه ضربه نخورند و در این شبکه هنوز خطر را احساس نمی‌کنند. اینها معتقدند که حوزه مدیریتی آنها دهه‌های مختلف به همین شیوه مدیریت شده و مشکلی پیش نیامده است. این دسته را می‌توان «توجه‌گران جاهل» نامید ب- دسته دیگری در این شبکه خطر را احساس می‌کنند اما برای اینکه خود نیز در این مجموعه ضربه نخورند و در این شبکه هنوز خطر را احساس نمی‌کنند. اینها معتقدند که حوزه مدیریتی آنها دهه‌های مختلف به همین شیوه مدیریت شده و مشکلی پیش نیامده است. این دسته را می‌توان «توجه‌گران جاهل» نامید

**آفتاب** **نما**

**آفتاب** **شهروند نگار**

**یک شب بابهبود یافتگان**

● علی اکبر فرقاتی ستون نویس

سه شنبه ۳۰ مرداد در موسسه جمعیت طلوع بی نشان‌ها که سازمانی مردم‌نهاد است، از کتاب «یلا»، رونمایی شد. کتابدار، یکی از خبرنگاران درباره کتاب و یکی از شعرهای چاپ شده کتاب لیل‌ساختناری کرد و پس از آن برای بهبودیافتگان تبره و تار می‌دیدند. به آن‌ها اطمینان دادم آخر ماه به گوری چشم تندروها، با حسن می‌رویم سازمان ملل، یواشکی دونالد را می‌بینیم سه سوته مشکل برجام را و آن‌شالله با این کار روی دولت پنهان را کم می‌کنیم. آخرشب، نسخه اصلی تگرام را هم از گوگل پلی نصب کردم و در پیوی رجب‌طیب اردوغان نوشتم «هنی سن ایلدون عاشق» برای آن که بیشتر خوشش بیاید و در تحریم‌ها کنار دولت و ملت ما باشد یک استیکر قلب همراه با پوسه برایش سند کردم. فکرم خیلی مغشوش بود. فرصت چندانی نداشتم باید متن سخنرانی آقای رئیس‌جمهور برای اختتامیه جشنواره شهید رجایی را می‌نوشتم. فردا روز بسیار مهمی بود و روحانی باید بر جک خیلی‌ها را می‌زد!

عمو اکبر کسی نیست جز آقای اکبر رجعی دادمه دارم...

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری
سر دبیر: سیدعلیر ضاکریمی
تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فراهانی (به سمت هفت تیر)
کودک ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک
امور آگهی‌ها: ۰۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲
تلفن: ۰۸-۸۸۳۲۱۲۹۷-۸
نمبر: ۸۸۳۲۱۲۹۹-۴۴۵۴۵۰۷۶-۷
تلفن: ۰۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲
توزیع: تلفن: ۰۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲
دفتر مرکزی بزد: بلوار ۲۲ بهمن، تلفنکس: ۰۳۵-۳۵۲۴۶۹۱۹
مقالات و نوشتارهای ارسانی به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

**پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۷ | 13september 2018 | ۱۴۴۰ محرم ۱۴۴۰ | سال ۲۰ | شماره ۵۲۷۲**

**آفتاب** **فلش بک سیاسی**

روزنامه آفتاب یزد در نظر دارد هر روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاسیون برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را با مرحوم **اکبر هاشمی رفسنجانی** از مسئولان با سابقه نظام امامی می‌دهیم. او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس هیئت موسس و هیئت انبای دانشگاه آزاد اسلامی‌بود.هاشمی‌همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به عنوان یکی از پرتوفاترین شخصیت‌های سیاسی نظام شناخته می‌شود.

## لژوم نمش در سیاست خارجی



**شنبه ۸ آبان سال ۱۳۶۱**
پیش از ظهر در منزل مطالعه و کار کردم و نزدیک ظهر به مجلس رفتم. عده‌ای از نمایندگان برای کارهای حوزه‌های انتخابیه خود مراجعه کردند. جمعی هم که به جبهه‌ها رفته بودند، گزارش جبهه‌ها و نیازهای آن را دادند. عصر چند ملاقات داشتم.

شب جلسه روحانیت مبارز در دفترم برگزار شد. برای مجلس ظهر به مجلس رفتم. عده‌ای از صورت گرفت. لیست مدرسین قدم خوانده شد که مورد قبول ما هم قرار گرفت و کاندیداهای تهران را به عهده روحانیت مبارز تهران گذارده بودند که ما هم رأی‌گیری کردیم و دوازده نفر را انتخاب کردیم. شام را مهمان مجلس بودند. شب در مجلس ماندم. آقای دکتر محمدعلی هادی یحفا‌بادی آمد و راجع به لزوم نرشم در سیاست خارجی برای توسعه روابط با کشورهای صنعتی توصیه کرد.

ادامه دارد...

**آفتاب** **حافظ نامه**

ظریفی نزد ما بیامد و بگفت‌ای حافظا ما از دست جور زمانه به تنگ آمدیم، مسئولان و اربابان جامعه نیز لطف و عنایتی به رعیت (ملت رعیت شده) ندارند. تو را به شاخه نباتت قسم ما را در قالت پندی ده که ما از این اوضاع آشفته به اربابان و مسئولین چه بگوییم؟! حافظ، خانه خراب شدم از شدت تنگدستی، ما را پندی ده. در فال وی بگفتیم: مقام اصلی ما گوشه خرابات است - خداهش خیر دهد آن که این عمارت کرد!

در تفسیرشعرهم گفتیم: شعر خود گویاست.

به مسئولان بگو از دست شما مقام (خانه‌ما) گوشه خرابات شده خدا خیرتان دهد که این عمارت (خرابات) را برای ما ساخت!



**آفتاب** **نکته چی**

## پیشنهادنانجیبانه به‌روزنامه‌نگار آمریکایی

شنیدم خانم مورین داود ستون‌نویس روزنامه نیویورک‌تایمز از تلاش «جرد کوشر» داماد و مشاورارشد دونالد ترامپ برای تطمیع وی به منظور انتشار مقاله‌ها و توثیق‌های تمجیدی درباره رئیس جمهوری آمریکا خبر داد که ظاهراً وی نپذیرفته. به تعبیر طنزگونه «پیشنهاد نانجیبانه رشوه و تطمیع کندز را نپذیرفت» گفته می‌شود

کوشرتر به خانم داود یادداشت خوب و دو توثیق یا دو یادداشت و یک توثیق خوب بتوانی دوساره نظر لطف او (ترامپ) را جلب کنی- به نظر نکته‌چی این هم نوعی پیشنهاد نانجیبانه است وقتی بخوای یک روزنامه نگار از تطمیع کنی که آنچه دوست داری بنویسد، یک پیشنهاد و رشوه نانجیبانه است حتی در واقع کشاندن پای فساد و رشوه به عرصه صنف نجیب مطبوعات است. هر چند بنده نکته‌چی آرزو دارم یکی از مقامات چنین پیشنهادی به بنده دهم و مرا تطمیع کندز از زیرخط قدرتی بیرون آیم. برایش یکی دو یادداشت و دو تا توثیق که هیچ، منقوی‌نامه هم می‌نویسم. آن هم در شرح حال گرامانتاش! دیگراینکه این پیشنهاد پس از آن مطرح شد که مورین داود در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۶ ترامپ را «رسانکار» نامید. زیرا رئیس‌جمهوری سابق آمریکا انتقاد کرده بود که اگر من جای مورین بودم به وی می‌گفتم تو که در امور اخلاقی رسوای جهانی‌ای روابط غیر اخلاقی دیگری در زن، رطب‌خورده منع رطب کی کنده؟!